

فرهنگ

گفتوگویی

تمدن‌ها



□ محمد آصف جوادی

دهه های پایانی هزاره دوم میلادی همراه با رویدادهایی بود که تأثیری بسیار عمیق و فراموش نشدنی بر جامعه جهانی گذاشت. تجربه فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، ریزش دیوار بلند برلین، تجزیه یوگوسلاویای پیشین و یک قطعی شدن جهان از یک سو و از سوی دیگر اعلام نظم نوین جهانی و شتاب انقلاب ارتباطات و... سبب پیدایش تیوریه‌ها و فرضیه های جدیدی درباره آینده انسان و جهان شد.

یکی از فرضیه های یاد شده، نظریه «پایان تاریخ»^۱ فرانسوی فوکویاما بود که در سال ۱۹۹۲ میلادی اعلام شد. در این فرضیه انجام و پایان کار انسان به لیبرال دموکراسی غرب منتهی می شود. انسانها ناگزیر و ناچارند که به کاروان لیبرال دموکراسی غرب پیوندند و گر نه از قافله خوشبختی، تمدن و پیشرفت باز خواهند ماند. اگرچه فوکویاما این فرضیه را در مقاله «فروپاشی بزرگ»^۲ کمی تعدیل کرد، اما روح این فرضیه همچنان محفوظ ماند. فرضیه دیگری که جنجالهای زیادی را به دنبال داشت، نظریه «برخورد تمدنها»^۳ ساموئل هانتینگتون استاد علوم سیاسی یکی از دانشگاه های امریکا بود. در این نظریه از میان هشت تمدنی که بر شمرده شده است، تمدن اسلامی که لبه های خونینی دارد و تمدن کنفوسیوسی، بیش از دیگران برای تمدن غرب (اروپای غربی و امریکای شمالی) خطرناک و خطر آفرین پیش بینی شده است. یادآوری می شود که بیش از ساموئل هانتینگتون، برنارد لوئیس انگلیسی طرفدار صهیونیسم در رساله دکترای خود درباره فرقه اسماعیلیه این نظریه را ابراز کرده بود. او می گوید: «... با روحیه و بینشی فراتر از مسایل روز سیاستمداران و دولت ها روبه رو هستیم که جز به برخورد تمدنها نمی انجامد»^۴

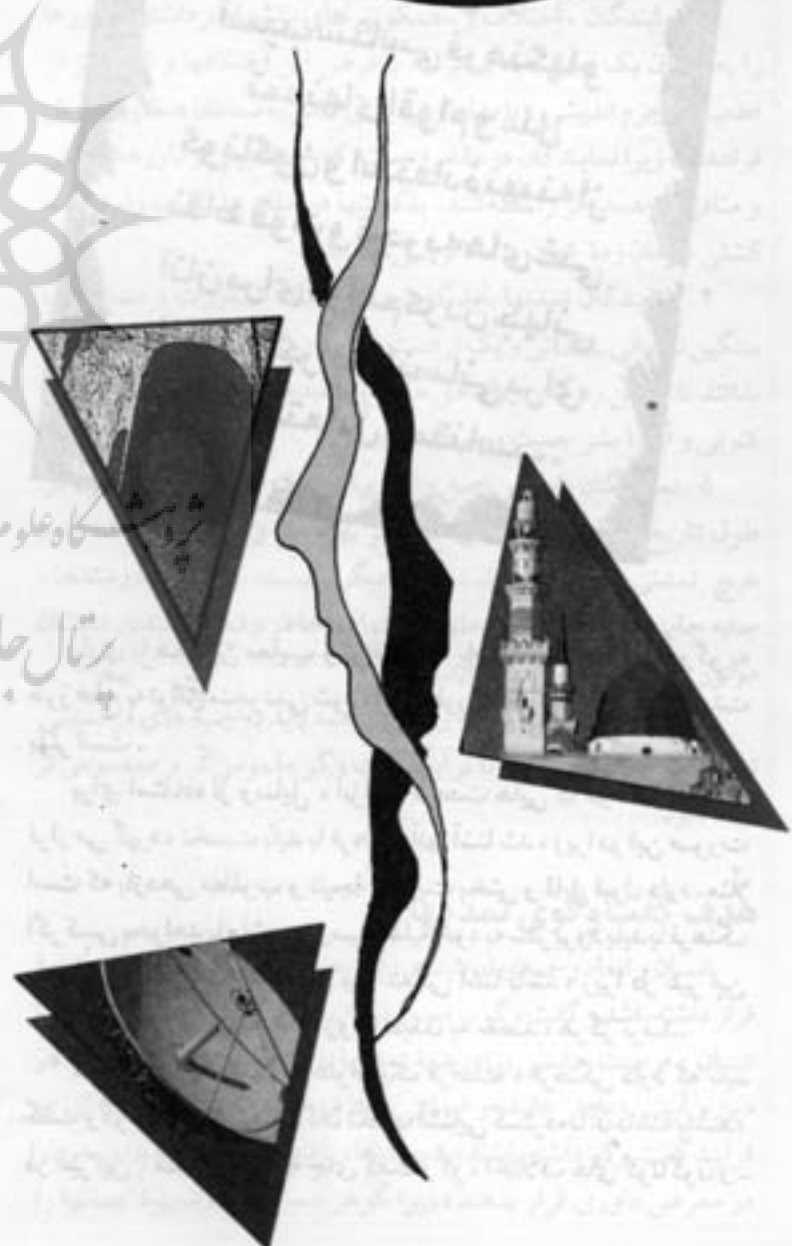
فرضیه هایی از این دست که به صورت ظاهراً آکادمیک و علمی آن هم از سوی استادان دانشگاهها ابراز می شود، در واقع نظریات سیاسی است، نه علمی-فلسفی. صاحبان این گونه نظریات و تیوریه‌ها تلاش و کوشش می کنند که برتری اندیشه و فرهنگ غرب را مانند صنعت و فن آوری (تکنولوژی) آن سامان بر دیگر فرهنگها و ملت ها تیوریزه و توجیه کنند؛ غافل از این که فرهنگ، اندیشه و نرم افزار با فن آوری، صنعت و سخت افزار تفاوت دارد. از این رو بیشتر دانشمندان فهیم و خردمندا غربی این گونه نظریات را نمی پذیرند.^۵

ادوارد سعید نویسنده فلسطینی الاصل امریکایی در برابر نظریه برخورد تمدنها، نظریه «برخوردهای درون تمدن» را مطرح می کند. او بر این باور است که برخورد تمدنها امکان پذیر نیست زیرا:

- اولاً ما بر سر تعریف مفاهیم و ارزشها دچار اختلاف هستیم، همان گونه که در جهان اسلام از یک «حقیقت واحد» که مورد قبول همگان باشد بی بهره ایم.

- ثانیاً از درون هر یک از این تمدنها نغمه های جدیدی به گوش می رسد که عموماً حاکی از اقتراق و اختلاف در میان نسل جدید و قدیم بر سر حفظ یا تغییر ارزشهای حاکم و ایجاد تغییرهای واقعی می باشد. امروز در جهان اسلام مسأله اصلی تعیین دارالاسلام و دارالکفر نیست، بلکه مسأله اصلی بر سر تعریف واحد از اسلام است و چگونگی عرضه آن به جهان.^۶

در برابر نظریه ماجراجویانه «برخورد تمدنها» نظریه «گفت و گوی



منتهی نخواهد شد، اما می‌تواند بر ذهنیت طرفین گفت و گو تأثیر بگذارد.^{۱۱}

انگیزه‌های یاد شده اگرچه بخشی از حقیقت و واقعیت را با خود دارند، اما همیشه و در همه جا کارایی ندارند، زیرا:
اولاً؛ هستند کسانی که مرگ را بر گفت و گو ترجیح می‌دهند، بنابراین دلایلی که دارند. خواه این دلایل حقیقت و حقایقت داشته باشد و خواه نداشته باشد.

ثانیاً؛ ترجمهٔ منافع دو طرف متخاصم به زبان مشترک اگر ممکن باشد، کار ساده‌ای نیست و به آسانی تجربه نمی‌شود.
ثالثاً؛ تأثیر گفت و گو بر اذهان در چنین مواردی بسیار ناچیز و اندک است.



بازی با همهٔ این معایب و نواقص که یاد شد، اگرچه گفت و گو به طور قطع به توافق منجر نمی‌شود، اما به طور قطع و یقین از ابراز خشونت بهتر است.

برای استفاده از وسایل، ابزار و فرصت‌هایی که در اختیار انسان قرار می‌گیرد، نخست باید با فرهنگ آنها آشنا شد، زیرا در این صورت است که بازدهی مطلوب و نتیجهٔ رضایت بخش و قابل قبول دارد. مثلاً اگر کسی بخواهد با ماشین و وسیلهٔ نقلیهٔ خود به سفر برود باید با فرهنگ رانندگی و مقررات راهنمایی و رانندگی آشنا باشد، زیرا در غیر این صورت ممکن است به جای زود رسیدن به مقصد، هرگز نرسد.

گفت و گوی تمدنها به عنوان یک فرصت، فرهنگی دارد که باید گفت و گو کنندگان و نمایندگان تمدنها آشنایی گسترده با آن داشته باشند. در غیر این، ممکن است به جای گفت و گو، اختلاف‌های گوناگون و -

تمدنها از سوی سید محمد خاتمی رئیس‌جمهور ایران پیشنهاد و از سوی فراگیرترین و بزرگترین سازمان بشری یعنی سازمان ملل متحد پذیرفته شد و سال ۲۰۰۰ میلادی سال گفت و گوی تمدنها اعلام شد. در این نوشته تلاش می‌شود که پس از تعریف گفت و گوی تمدنها، فرهنگ و شیوهٔ گفت و گو به صورت کوتاه، گذرا و کاربردی بحث و بررسی شود.

تعریف گفت و گوی تمدنها

گفت و گو، عملی است که در آن، گفت و گوگران برای رسیدن به هدف واحد و مشترک برای حل مسأله‌ای یا رفع چالشی، به نقد و فهم سخنان یکدیگر می‌پردازند. بنابراین، گفت و گو، هر نوع گپ زدن و سخن گفتنی را در بر نمی‌گیرد.^۷ چنان که دیالوگ [dialogue] معادل خارجی گفت و گو مرکب از dia به معنای میان و بین و logue به معنای لغت و کلمه است که در مجموع به معنای «به جریان افتادن معنی و مفهومی در میان مجموعه‌ای از انسانها و سخن گفتن دربارهٔ معنا و مفهوم یاد شده» است.^۸

تمدن [civilisation] از مدینه و citis به معنای شهر، شهری و شهروند گرفته شده است.

فرنان پرودل فرایند پدیدآمدن مفهوم تمدن و تحول آن را این چنین بیان می‌کند: «واژهٔ تمدن در زبان فرانسه از سدهٔ شانزدهم رواج یافته است. این واژه در سال ۱۷۳۲ م، یک اصطلاح حقوقی بوده و به کارهای قضایی گفته می‌شده است. در سال ۱۷۵۲ م در دست نوشته‌های «تورگو» به معنای «عبور به حالت متمدن شدن» آمده است و در سال ۱۷۵۶ م برای نخستین بار به صورت متن چاپی در آمده است.^۹ با توجه به معنای واژه‌های «گفت و گو» و «تمدن» می‌توان گفت و گوی تمدنها را این گونه تعریف کرد: «گفت و گوی تمدنها عبارت است از بازخوانی، بازیابی، بازشناسی، و آسیب‌شناسی فرهنگها و تمدنهای اقوام و ملل گوناگون و استفاده بهینه از نقاط قوت و تجربه‌های غنی آنان برای فراهم کردن جهانی فراخور کرامت انسانی برای زندگی متعادل و متناسب».^{۱۰}

انگیزه‌های گفت و گو

برای گفت و گوی انسانها با همدیگر انگیزه‌هایی برشمرده شده است.

۱. ترس از مرگ. توماس هابز بر این باور است که انسانها به خاطر ترس از مرگ به گفت و گو با همدیگر می‌پردازند، زیرا گفت و گو می‌تواند مرگ را - اگرچه به مدت کوتاهی - به تاخیر بیندازد. بنابراین مقتول با قاتل از در گفت‌وگو و دیالوگ وارد می‌شود.

۲. اصل سود انگاری. ژرمی بنتام اصل سودانگاری را عامل و انگیزهٔ گفت و گو معرفی می‌کند. از نظر او، گفت و گو می‌تواند منافع دو طرف دیالوگ را به زبان مشترک ترجمه کند و باعث رفع چالش و برخورد منافع شود.

۳. تأثیر بر اذهان. پوپر عقیده دارد که گفت و گوها - لزوماً - به توافق

بعضاً - فراموش شده دوباره چهره بنمایاند و چالش های جدی ایجاد کند. بنابراین نمایندگان تمدنها توجه داشته باشند که :

۱. نمایندگان تمدنها در میزگرد گفت و گوی تمدنها باید آشنایی کامل و مطالعه فراخور درباره تمدنها، پیوند و رابطه آنها با یکدیگر، علل و عوامل شکوفایی و افول آنها داشته باشند تا با نگاه و نگرش تطبیقی، برای چالش های زمان معاصر راه حل هایی پیدا کنند و از خرمن تمدنهای کهن، خوشه هایی برای رفع گرفتاری های امروز انسان برچینند.

۲. نمایندگان تمدنها در عین حالی که وابستگی و تعلق خاطر به تمدنهای مورد علاقه شان دارند، در هنگام گفت و گو باید بی طرفی پیش کنند و عاری از هر نوع گرایش، عصبیت و پیش داوری تنها به دنبال یافتن راه حل خردمندانه باشند. به قول یکی از نویسندگان: «نمایندگان باید خود را طبیعی فرض کنند که برای درمان بیمار بر بالین او حاضر شده است. تنها به فکر درمان و بهبودی بیمار باشند، نه این که سابقه کاری، مدرک تحصیلی، درجه علمی و... را به رخ همدیگر بکشند و از مقصد و مقصود اصلی که نجات بیمار است غافل شوند.»^{۱۲} آنان با این اندیشه و تفکر می توانند، گره از کار فروخته جهان و جهانیان بگشایند.

۳. نمایندگان، اختلاف و ناهمگونی های بینها، برداشتها و باورها را به عنوان یک اصل باید بپذیرند. با فرض این اختلافها و با پرهیز از قطعیت و جزم اندیشی، با مدارا و بردباری کامل به سخنان همدیگر گوش فرادهند، زیرا نمایندگان در مقامی نیستند که جهان بینی و باورهای دینی و متافزیک همدیگر را نقد کنند. بلکه تنها در مقام پیدا کردن راه نجات کشتی طوفان زده جهان و مسافران هستند.

۴. نمایندگان تمدنها باید گفت و گو را یک ضرورت و مسؤلیت سنگین تاریخی - انسانی و یک فرصت طلایی برای خود و ملت های خود بدانند تا از این رهگذر، راه حل هایی پستندیده برای ادامه زندگی نسل کنونی و آینده بشر جست و جو کنند.

۵. نمایندگان باید این اصل را نیز بپذیرند که تمدنهای گوناگون در طول تاریخ از دست آوردهای همدیگر بهره مند و برخوردار شده اند و هیچ تمدنی بی نیاز از تمدنهای دیگر نیست، زیرا دادوستدها، جابه جایی ها و رفت و آمدهای انسانها به خاطر رفع نیازمندی هایشان موتور تمدنها به حساب می آید.^{۱۳}

۶. نمایندگان بیش از همه و پیش از همه باید به جنبه های فراتمدنی تمدنها توجه داشته باشند تا برآیند گفت و گو ملموس تر و محسوس تر دیده شود.

هدف گفت و گوی تمدنها

انسان و ابعاد وجودی او باید در رأس هرم هدف گفت و گوی تمدنها قرار داشته باشد و گفت و گو بر محور انسان گردش کند. گفت و گو درباره انسان، فرصت مناسبی برای همه تمدنها با هر فکر و اندیشه ای، با هر دین و آیینی، با هر عقیده و ایمانی پدید می آورد تا سهم عادلانه ای در فرایند گفت و گو داشته باشند و تجربه ها، یافته ها و اندوخته های خود را در معرض داوری قرار بدهند، زیرا گوهر انسانیت، زنجیره انسانها را

فارغ از تفاوت های ظاهری آنان به همدیگر پیوند می دهد و یک نوع حس همدردی و همکاری پدید می آورد. بنابراین اگر گفت و گو درباره محورهایی که اکنون یاد می شود باشد، کمک بزرگی برای رسیدن به هدف خواهد کرد:

الف. حقوق بشر. انسانها با قطع نظر از اختلاف های نژادی، قومی، زبانی، جغرافیایی، جنسی و مذهبی، به خاطر انسانیت خود کرامت دارند. باید احترام و کرامت پاس داشته شود. با این فرض نمایندگان تمدنها در گرد میز گفت و گو مساوی و برابر به حساب می آیند و کشورهای ثروتمند و قدرتمند نه تنها حق «توتو» ندارند، بلکه باید خود را متعهد بدانند همان گونه که انتظار دارند، مردم به آموزه ها و داده های تمدنی آنان احترام بگذارند. آنان نیز آموزه ها و یافته های تمدنهای دیگر را با دیده احترام بنگرند و حقوق دیگران را نادیده نگیرند.

ب. صلح. یکی از محورهای مهم گفت و گوی تمدنها باید صلح باشد، زیرا هدف گفت و گو این است که زمینه زندگی مسالمت آمیز و شایسته کرامت انسانی را فراهم کند. اگر صلح جهانی نادیده گرفته شود، گفت و گوی تمدنها برای بشر دست آوردی ندارد. نمایندگان باید به این باور برسند که آتش جنگ را در دورترین نقطه جهان مانند جنگ در شهر و کشور خود بدانند زیرا جنگ، نزاع و چالشهایی از این نوع اگر چه از نظر جغرافیایی در کشور خاصی اتفاق بیفتد، پیامدهای ناگوار آن در گام نخست کشورهای همسایه و در گام دوم همه کشورهای جهان را تحت تأثیر قرار می دهد. جنگ، ناامنی به وجود می آورد و ناامنی ده ها مشکل اقتصادی، سیاسی فرهنگی و اجتماعی را به دنبال دارد، مانند مهاجرت و آوارگی، از میان رفتن نظام آموزش و پرورش، به هم خوردن عرضه و تقاضای مایحتاج زندگی مردم، پیدا شدن و قوت گرفتن تروریسم، قاچاق مواد مخدر، قاچاق انسان و اسلحه و... بنابراین نمایندگان تمدنها باید آستین همت بالا زنند و زمینه هایی به وجود آمدن جنگ و نیز خاموش کردن آتش جنگ را باز یابند. داروی این زخم کهن و مادرزادی زمین را در نسخه تمدنهای گذشته جست و جو کنند و پیشنهادهای علمی و عملی ارائه دهند.

ج. محیط زیست. محیط زیست باید یکی از محورهای اساسی این گفت و گو باشد، زیرا انسانها مانند سرنشینان کشتی ای اند که در دریای توفانی، پهناور و ناپیدا کرانه در حرکت است و به خاطر همسایگی و همسفری، سرنوشت واحدی پیدا کرده اند. اگر در گوشه ای از این کشتی اتفاقی بیفتد، بعید نیست که گریبانگیر همه مسافران شود. بنابراین هیچ کشور و ملتی از نظر وجدان عمومی اجازه ندارد که با تخریب محیط زیست، با سرنوشت دیگران بازی کند.

با این که اهمیت محیط زیست بر کسی پوشیده نیست - سوگمندان - در جهان امروز کمتر کسی به آن اهمیت می دهد. همه کشورها با سرعت سرسام آوری به دنبال منافع ملی خود هستند و همه کشورها به فراخور توانایی و ابزاری که دارند، محیط زیست را خراب می کنند، به گونه ای که هر روز به اندازه چندین بمب اتمی ضرر و زیان بر محیط زیست و موجودات زنده وارد می شود. حتی برخی از مواد پلاستیکی که وارد معدن زمین می شود، پنجاه سال طول می کشد تا هضم و جذب شود.



با این که هر روز درباره آلودگی زمین، هوا، دریا، تخریب جنگلها گرم شدن زمین، باران های اسیدی، پساب های صنعتی، تشعشعات رادیواکتیو، شکاف لایه اوزون، نابودی تدریجی برخی از گونه های جانداران و محو شدن آنها از گردونه زندگی و... از رسانه های دیداری و شنیداری اخبار و اطلاعات به ما می رسد، باز هم مانند بردگان و زندانیان اردوگاه های کار اجباری صنعت و تکنولوژی بر شاخه نشسته ایم و بن می بریم. از کجا معلوم که در ادامه زنجیره نابودی جانداران بعد از چند دهه یا سده، انسان قرار نگرفته باشد؟

نمایندگان تمدنها باید این مشکل را واقع بینانه بحث و بررسی کنند و از تجربه های گرانسنگ تمدنهای کهن در پاکیزه کردن محیط زیست استفاده کنند.

د. هنر و ادبیات. هنر و ادبیات یکی از موضوعات بسیار شیرین و دلچسبی است که می تواند کمک شایانی برای رسیدن به اهداف گفت و گوی تمدنها بکند، زیرا هنر و ادبیات از روح و روان بیرنگ، و خالی از نیرنگ انسان سرچشمه می گیرد؛ از دل برمی آید و لاجرم بر دل می نشیند و زبان مشترک همه انسانها است. اگر نگاه کوتاهی به هنر و ادبیات ملل گوناگون جهان بیندازیم، می بینیم که مرزهای جغرافیایی، زبانی، نژادی، جنسی و مذهبی را در نور دیده و فاصله هارا از میان برداشته است. ادبیات امریکای لاتین با ویژگیها و هنجاری های بومی، دل و جان تکنولوژی زده اروپا را فتح می کند.

عبارت «بنی آدم اعضای یکدیگرند» سعدی مانند نگینی بر سر در سازمان ملل متحد می درخشد و جهانیان خسته از جنگ و خسته از ناشکیبایی را به گفت و گو، بردباری و زندگی مسالمت آمیز دعوت می کند. فردوسی، حافظ، سعدی، مولانا، گارسیا مارکز، بورخس، تولستوی، شکسپیر، گوته، برناردشاو و صدها ادیب و شاعر و هنرمند دیگر در سراسر گیتی، رواق منظر چشم انسانها را آشیانه خود کرده اند. وقتی که مجسمه های بودا، در بامیان هدف تیرهای جهل و جمود و چون قرار می گیرند و به خاک می افتند، به خاطر همین نقش فرامرزی و فرااقلمی هنر است که میلیاردها انسان فارغ از وابستگی و دلبستگی دینی خود غمگین می شوند و عاملان این جنایت ننگین را نفرین می کنند. این که داستان زیبای «هزار و یک شب» در سده هفدهم میلادی به زبان فرانسوی ترجمه می شود، به خاطر روح جهانی ادبیات است که بر قصه نویسی و رمان نویسی، اپرا، باله، موسیقی و حتی آرایش خانه های آن سامان تأثیر می گذارد و الکساندر دومای پدر با الهام از این داستان برای قصر خود مناری می سازد و اتاق هایش را با آیات قرآن مجید آرایش می دهد. ۱۲

نگاه انسانی هنر و ادبیات به زندگی فردی و اجتماعی و حقوق متقابل انسانها، فرصت مناسبی فراروی نمایندگان تمدنها قرار می دهد و کمک فراوانی به اهداف آن می کند.

ه. ادیان. ادیان بخش فراخی از وجود معنوی بشر را شکل می دهد. نادیده گرفتن ادیان در فرایند زندگی انسانها و نادیده گرفتن آموزه های ادیان در گفت و گوی تمدنها، نادیده گرفتن بخش مهمی از وجود انسان است و علاوه بر این، تمدنهای بزرگ و اصیل همگی زاده پیام های الهی

ادیان هستند. ادعای این که بشر در چرخه هستی خود تمدنی را به وجود آورده باشد، دور از واقعیت است و از فلسفه غربی سده نوزدهم سرچشمه گرفته است. تمدن کنونی مغرب زمین زاده از دواج آیین مسیحیت و تمدن روم قدیم است که پیش از آن وجود داشته است. ۱۵

بنابراین، ادیان به فراخور حضور تاریخی خود در بستر فرهنگی- اجتماعی بشر می توانند نقش مهمی در راستای اهداف گفت و گوی تمدنها داشته باشند، زیرا همه انسانها به گونه ای تجربه دینی دارند و آموزه های ادیان در بخش اخلاقیات درباره زندگی فردی و اجتماعی- نوعاً- مدارا، بردباری، تحمل و فروتنی را پیشنهاد می کند؛ درست همان چیزهایی که انسان امروز از نبود آن رنج می برد و باعث چالش و برخورد حقوق و منافع مشروع و نامشروع شده است. نمایندگان تمدنها با توجه به نفوذ و رسوخ باورهای دینی تا عمق روح و جان انسانها باید احترام همه ادیان را پاسداری کنند. از تأکید بر حقانیت یکی و بطلان دیگری- جداً- پرهیز کنند و گرنه از هدف اصلی بازمی مانند.

و. ورزش. ورزش یکی دیگر از محورهایی است که برای به ثمر رسیدن درخت گفت و گوی تمدنها می تواند کمک کند. بازی های جهانی و منطقه ای دوستانه پیش درآمد خوبی برای زدودن زنگارهای سیاست از میان دولتها و ملت های جهان است. نمایندگان گفت و گوی تمدنها می توانند کشورهای جهان را وادار به همگانی کردن ورزش کنند و با معرفی الگوهای مناسب از میان چهره های ورزشی به سلامت نسل بشر پیشدیند و هم به هدف گفت و گوی تمدنها برسند.

غیر از محورهای یاد شده، محورهای دیگری نیز هست که در صورت کارشناسی و مفید بودن، می تواند دست آوردهای خوبی در این راستا داشته باشد.

منابع و مدارک:

1. The end of hestory and the last man
2. The great of disruption
3. The clash of civilisations

- ۴- فصلنامه پل فیروزه، شماره اول، سال اول (سید حسین نصر)
- ۵- فصلنامه پل فیروزه، شماره اول، سال اول (مصطفی ملکیان)
- ۶- فصلنامه اندیشه صادق (ویژه جهانی شدن)، شماره ۵، سال ۱۳۸۰
- ۷- فصلنامه پل فیروزه، شماره اول، سال اول، (مصطفی ملکیان)
- ۸- فصلنامه پل فیروزه، شماره اول، سال اول، (علی بابا)
- ۹- فصلنامه پل فیروزه، شماره اول، سال اول، (احسان نراقی و جمشید اسدی)
- ۱۰- فصلنامه پل فیروزه، شماره اول، سال اول، (شبنم عربتی با اندکی دخل و تصرف)
- ۱۱- روزنامه ایران ۱۳۸۱/۸/۷
- ۱۲- فصلنامه پل فیروزه سال اول، شماره اول، (مصطفی ملکیان)
- ۱۳- هجرت و تمدن، علی شریعتی
- ۱۴- فصلنامه پل فیروزه، سال اول، شماره سوم (احسان نراقی)
- ۱۵- فصلنامه پل فیروزه، شماره اول، سال اول (سید حسن نصر)

